



موضوع ناراحت بود. علت را که پرسیدم، گفت بازیگر نقش اصلی اجازه نمی‌دهد با کریم سنش را بالاتر نشان بدهیم و از من خواست ببیند آیا می‌توانم او را برای پذیرش این موضوع راضی کنم یا نه.

من به اتاق کریم رفتم، جایی که آقای امیر اسکندری با این بازیگر عرب‌زبان در حال گفت‌وگو به زبان فارسی بود.

آیا به زبان عربی هم تسلط داشتید؟

در حدی که بتوانم منظوم بر برسانم و از پس کار بر بیایم، عربی بلد بودم. من و آقای امیر اسکندری وارد گفت‌وگو شدیم و به آن خانم گفتم این نقش می‌تواند یک غافلگیری مهم در کارنامه بازیگری‌اش باشد و بهتر است با این نوع کریم موافقت کند. چند ساعتی صحبت کردیم تا در نهایت راضی شد.

در همان پروژه حتی در بخش جلوه‌های ویژه هم به مسئول مربوطه کمک می‌کردم. در مجموع بیش از سه ماه و نیم برای تولید این فیلم در سوریه حضور داشتم.

آیا دستمزدی متناسب با میزان زحمتی که می‌کشیدید دریافت می‌کردید؟

آن زمان برای من میزان دستمزد چندان مهم نبود. بیشتر با نگاه دلی کار می‌کردیم و زندگی هم به همان شکل ساده خودش می‌گذشت.

تجربه همکاری با مهدی فخیم‌زاده در فیلم «همسر» برایتان چگونه بود و آیا از این همکاری رضایت داشتید؟

اگر کارگردان در کارش جدی نباشد، کار جلونمی‌رود.

در مقابل، کارگردانی مثل فرزاد موتمن با رویکردی آرام‌تر و نرم‌خوتر کار را پیش می‌برد. تجربه همکاری با او چگونه بود؟

آقای موتمن با نرم‌خویی کارش را پیش می‌برد. در فیلم «شب‌های روشن» نیز روی کمک‌های آقای محسن شاه‌ابراهیمی، طراح هنری فیلم، تکیه زیادی داشت. برای این پروژه یک ساختمان سه طبقه اجاره شد و بنا به خواست آقای موتمن، آقای شاه‌ابراهیمی تغییرات زیادی در معماری خانه ایجاد کرد.

برای من، کار کردن با کارگردانی مثل موتمن به اندازه همکاری با فخیم‌زاده لذت‌بخش بود.

بیشترین همکاری شما با منوچهر محمدی بوده است؟ این همکاری چگونه شکل گرفت؟

در بیش از ۱۷ فیلم با آقای منوچهر محمدی همکاری داشتم. ایشان قصد داشتند فیلم «میم مثل مادر» را با آقای رسول ملاقلی‌پور تولید کنند و به دلیل شنیده‌هایی درباره روحیه عصبی ایشان، در آغاز درباره ادامه پروژه تردید داشتند.

من پیشنهاد دادم که کار را شروع کنیم و در جریان تولید ببینیم شرایط چگونه پیش می‌رود. در ادامه و در طول کار متوجه شدیم که آقای ملاقلی‌پور از بهترین‌ها هستند و در گفت‌وگویی هم به خودشان گفتم که درباره تندمزاجی‌شان صحبت‌هایی پشت سرشان هست.

ایشان در پاسخ گفتند سواي کارگردانی وقتی تهیه‌کننده هم هستم و مسئولیت کل کار را بر عهده دارم، باید به همه چیز اشراف داشته باشم و اگر جایی قصوری ببینم، طبیعی است که واکنش نشان دهم؛ چون ممکن است همان کوتاهی باعث توقف تولید و بیکار شدن بیش از صد نفر شود.

آیا ایشان از همکاری با شما رضایت داشتند؟

بله، رضایت داشتند و حتی گفتند در فیلم بعدی‌ام دوباره از تو و تیمت استفاده می‌کنم، اما متأسفانه مرگ ناگهانی ایشان اجازه ادامه این همکاری را نداد.

قرارداد گلشیفته فراهانی در فیلم «میم مثل مادر» چقدر بود؟

ماجرای حضور گلشیفته فراهانی هم برای من جالب بود. زمانی که برای همکاری به پروژه دعوت شد، چون قرار بود نقش یک مادر جوان را بازی کند، باید تغییراتی در

چهره‌اش از جمله در فرم ابروها ایجاد می‌شد، اما علاقه‌ای به این تغییرات و آرایش صورت نداشت. در مرحله پیش‌تولید جلسه‌ای داشتیم و گفت: «عمو پیمان شنیده‌ام کارگردان بد اخلاق است، آیا می‌شود با او کار کرد؟»

من به او گفتم خیالت راحت باشد، کار روال طبیعی خودش را دارد و شاید تنها دلیل عصبانیت آقای ملاقلی‌پور حساسیت و دقت بالای او نسبت به کار باشد، نه چیز دیگر. در طول کار، همه چیز به خوبی پیش رفت و گلشیفته رابطه بسیار خوبی با آقای ملاقلی‌پور پیدا کرد؛ تا جایی که پس از درگذشت ایشان، در مراسم ختم در مسجد به عنوان صاحب عزا در بخش خانم‌ها ایستاده بود. او حتی در طول فیلمبرداری نیز با توجه به بیماری قلبی آقای ملاقلی‌پور تأکید می‌کرد که غذای چرب برای ایشان تهیه نشود و غذای سبک و گیاهی در اختیارشان قرار بگیرد.

با مهدی کریم‌پور دو تجربه موفق در فیلم‌های «پل چوبی» و «چه کسی امیر را کشت» داشتید. از این همکاری‌ها بگویید.

تجربه‌های خوبی بودند. همیشه می‌گویم هرطور با دیگران رفتار کنی، همان‌طور هم با تو رفتار می‌شود. همه در یک پروژه انتظاراتی دارند و باید بتوان آن‌ها را به‌درستی مدیریت کرد. در نهایت، مدیر تولید حرفه‌ای باید قدرت برنامه‌ریزی داشته باشد و بتواند هماهنگی دقیقی با برنامه‌ریز و سایر بخش‌ها برقرار کند تا کار به شکل منسجم پیش برود.

کدام بازیگران هنگام عقد قرارداد بیشتر اهل چانه‌زنی هستند؟

برای من تا امروز چنین مسئله‌ای پیش نیامده است.

یعنی اگر بازیگر هر مبلغی را مطرح کند، شما همان را می‌پذیرید؟

نه، هرچه من بگویم بازیگران قبول می‌کنند! (با خنده)

آیا در بستن قراردادها و مدیریت تولید، تکنیک یا شگرد خاصی برای رسیدن به توافق برد-برد دارید؟

تکنیک من این است که عوامل خیلی سریع به اتاق مدیر تولید. همان اتاق کار. بیایند، قرارداد را ببندند و کارشان را انجام بدهند و بروند. در واقع تکلیف کاملاً روشن است. یک برآورد بودجه وجود دارد و من همان مبلغ را شفاف اعلام می‌کنم. اهل دوز و کلک هم نیستیم.

اگر مثلاً در فیلم «پل چوبی» برآورد شما برای دستمزد یک مدیر یا عوامل، کمتر از نصف مبلغ مورد انتظارشان بود، چه واکنشی نشان می‌دادید؟

باز هم پیشنهاد خودم را مطرح می‌کردم.

اگر طرف مقابل پیشنهاد شما را نمی‌پذیرفت، چه می‌کردید؟

مطمئن بودم قبول می‌کند.

خبرهایی که گاهی در رسانه‌ها درباره عدم توافق مالی بازیگران و انصراف آن‌ها از حضور در یک فیلم منتشر می‌شود، آیا می‌تواند ناشی از ضعف مدیر تولید باشد؟

در برخی موارد، دوستان تولید و تهیه‌کننده در ابتدای کار وانمود می‌کنند که بودجه بالایی در اختیار دارند و همین موضوع در بازیگر انتظار ایجاد می‌کند. به نظر من، صداقت و شفافیت بهترین و مهم‌ترین تکنیک برای یک مدیر تولید است.

تجربه همکاری با فرامرز قریبیان در فیلم «رقص در غبار» چگونه بود؟

آقای قریبیان یک آقا و جنتمن تمام‌عیار هستند. با وجود شرایط سخت تولید فیلم که در یک روستا نزدیک یزد انجام

می‌شد، ایشان مثل یک حرفه‌ای واقعی، کارشان را به بهترین شکل انجام دادند.

همکاری شما با حمید فرخ‌نژاد در فیلم «چهارشنبه‌سوری» که پیش‌تر هم هم‌دوره بودید، چگونه شکل گرفت؟

در روز قرارداد بستن به حمید گفتم «چهارشنبه‌سوری» فیلم خوبی خواهد شد و او هم همکاری کرد. درباره هدیه تهرانی نیز مبلغ پیشنهادی ما برای این نقش را اعلام کردم و ایشان به این شرط که تغییراتی در فیلمنامه انجام شود، پذیرفت. در ادامه، یک جلسه مشترک کاری با حضور او و آقای اصغر فرهادی ترتیب دادیم. یکی از ویژگی‌های مثبت هدیه تهرانی، شناخت دقیق و خوبش نسبت به فیلمنامه است و معمولاً نظرات درست و حرفه‌ای ارائه می‌دهد.

در فیلم‌هایی که کارگردان مطرحی ندارند، برای ترغیب بازیگران به عقد قرارداد با رقم پیشنهادی، از چه روش یا راهکاری استفاده می‌کنید؟

بیشتر روی فیلمنامه مانور می‌دهم. نکته مهم، اعتمادی است که در طول سال‌ها نسبت به من شکل گرفته است. عوامل می‌دانستند هر زمان تولید یک فیلم را قبول می‌کنم، نسبت به کیفیت کار و سایر بخش‌ها هم متعهد هستم. همین اعتماد باعث می‌شود در نهایت به توافق برسیم.

آیا پیش آمده برای حضور در فیلمی دستمزدی دریافت نکنید؟

بله، در برخی موارد دستمزد نگرفته‌ام و آن را به حساب خمس و زکاتم می‌گذارم و کار می‌کنم. در بسیاری از فیلم‌ها هم همکاری داشته‌ام که حتی نامم در تیتراژ هم نیامده است.

در مورد همکاری تان در برگزاری جشنواره‌ها هم همین رویکرد را دارید؟

بله، در ده دوره جشنواره فیلم فجر بدون دریافت دستمزد کار کردم. همچنین یک سال نیز در برگزاری جشنواره فیلم کودک، در زمان مدیریت آقای داروغه‌زاده که از همدان به اصفهان آمده بودند، همکاری داشتم. در آن دوره جلسات متعددی با مدیران اصفهانی برگزار کردیم تا جشنواره به شکل بهتری اجرا شود.

با این شرایط، یعنی گاهی بدون دستمزد کار کردن، در مسائل مالی خانواده دچار چالش نمی‌شوید؟

پول بهتر برکت دارد و کار راه‌انداز است. اگر پول درست و حلال وارد خانه شود، مشکلی ایجاد نخواهد شد.

آیا به زندگی لاکچری، داشتن ویلا و ماشین لوکس علاقه ندارید؟

خب این‌ها خوب است، اما در نهایت اگر انسان بمیرد، هیچ‌کدام از این‌ها را نمی‌تواند با خود ببرد.

آیا خانواده بابت این نوع نگاه و سبک زندگی از شما گلایه‌ای ندارند؟

یکی از بهترین همسرها را دارم که همیشه همراه من بوده و تحمل کرده است.

آیا بیشترین دستمزدتان مربوط به فعالیت در شبکه نمایش خانگی بوده است؟

با احسان رسول‌اف حدود سه سال همکاری داشتم. در آن دفتر مجموعه‌ای از فیلم‌های کوتاه، بلند و نیمه‌بلند تولید می‌شد. در همان سه سال با دستمزد توانستم خانه و ماشین بخرم.

در آن دوره حدوداً چه میزان دستمزد دریافت می‌کردید؟

در اوایل دهه نود، حدود ماهی ده میلیون تومان دستمزد می‌گرفتم. این دستمزدها برای من برکت داشت.

همکاری شما با احمدرضا معتمدی در فیلم «سوءتفاهم» چگونه بود؟

خانه این فیلم را حوالی خیابان سعدی پیدا کردم و بازسازی کامل آن در سه طبقه انجام شد. آقای معتمدی پس از پایان کار به من گفتند چطور شد که فیلمبرداری در ۴۵ روز به پایان رسید، در حالی که معمولاً کارهای ایشان دو برابر این زمان طول می‌کشید. من این را نتیجه برنامه‌ریزی دقیق می‌دانم.

به اعتقاد من، مدیر تولید باید از تمام اجزای تولید فیلم شناخت داشته باشد. همچنین آقای محمد آلا‌پوش از دوستان خوب من هستند و کارشان به‌روز است و همیشه آخرین اطلاعات و استانداردهای روز فیلمبرداری را به من منتقل می‌کنند.

خودتان را فردی اکتیو و پرتحرک می‌دانید؟

نمی‌توانم بگویم که چقدر بشوم. اگر همان دوران در باغ فردوس مانده بودم، شاید الان جزو مدیرکل‌های وزارت فرهنگ بودم، اما هیچ‌وقت پیشنهادهای یک‌جا ماندن را قبول نکرده‌ام. این سال‌ها هم پیدا کردن لوکیشن سخت‌تر شده و کار عملاً نیاز به دیدن و پیگیری مداوم دارد.

برای پیدا کردن لوکیشن، در کدام پروژه بیشترین چالش را تجربه کردید؟

در سریال «الگوریتم» برای پیدا کردن لوکیشن‌ها با کار پرجاشی مواجه بودم.

تجربه همکاری شما با داود میرباقری در سریال «سلمان» چگونه بود؟

در پروژه «سلمان»، مدتی کار دچار رخوت شده بود و حدود دو سال صرف انتخاب لوکیشن شد. در ادامه، مدیران سازمان ضرب‌الاجلی تعیین کردند تا هرچه سریع‌تر تولید آغاز شود. در همین مقطع من به گروه اضافه شدم.

در بخش قراردادها تلاش شد رقم‌ها منطقی و معقول باشد. با بازیگران اصلی قراردادهایی در حدود ماهی ۵۰ میلیون تومان بسته شد، در حالی که برخی از آن‌ها در پروژه‌های دیگر دستمزدهایی نزدیک به ۳۰۰ میلیون تومان در ماه دریافت می‌کردند.

یادم هست در قشم برای چند ماه، حدود ۷۰۰ نفر از عوامل تیم را اسکان دادم که کار بسیار سخت و پرجاشی بود. پس از راه‌اندازی و آغاز روند فیلمبرداری، از پروژه «سلمان» جدا شدم و در مجموع حدود دو سال درگیر این کار بودم.

به نظر خودتان بهترین کاری که در آن حضور داشته‌اید کدام فیلم بوده است؟

خیلی از کارهایم را دوست دارم؛ از جمله «از کرخه تا راین» و «بازمانده».

با کدام تهیه‌کنندگان بیشتر احساس راحتی و همکاری نزدیک دارید؟

با آقای منوچهر محمدی، ایرج تقی‌پور و جمال ساداتیان.

با کدام بازیگر راحت‌تر کار کرده‌اید؟

به لحاظ منش حرفه‌ای و شناخت بالا، همکاری با هدیه تهرانی برام بسیار جذاب بود. گاهی هم به‌صورت تلفنی با هم در ارتباط هستیم و ایشان این روزها بیشتر درگیر کارهای عمل‌المفعه هستند.

در پایان می‌توانید بگویید کار کدام مدیر تولید و تهیه‌کننده را قبول دارید؟

خیلی‌ها کارشان خوب است؛ مثل صادق آذین. البته تعدادشان شاید به ده نفر هم نرسد. یادم می‌آید آن سال‌ها آقای آذین به من گفت اگر وارد کار تولید شوی، زخم معده می‌گیری و دچار ناراحتی‌های قلبی و روحی می‌شوی. امروز که نگاه می‌کنم می‌بینم حرفش درست بوده؛ روزی یک کیلو قرص می‌خورم.

